

برای نجات از سقوط

سران حکومت به حمایت "امریکا" چشم دوخته اند!

لحظات تعمیق ارتباطات، همیاری وسیع، اعلام برنامه سیاسی-اقتصادی جایگزین و تشدید مقاومت آشکار در ایران نزدیک می شود.

در تهران سران و نقش آفرینان اصلی رژیم حاکم، یک طرح از پیش تدارک دیده شده را، به منظور همسویی آشکار با کلیه سیاست های امریکا در خلیج فارس و خاورمیانه، به اجرا گذاشته اند. در اجرای این طرح، بلندپایه ترین مقامات رژیم برای اجرای نقشی، که بعهده گرفته اند، یکی پس از دیگری بر صحنه حاضر می شوند و آن می گویند و می کنند، که از پیش بر سر آن توافق کرده اند!

نقش آفرینان این طرح، از بیم سقوط از بام قدرت، مانند هر حکومت خودکامه دیگری، چاره را نه در قبول واقیبات جامعه و سپردن متان کشور بدست نیروهای میهن دوست، بلکه در چنگ زدن به دامان قدرت های جهانی و در راس همه آنها "امریکا"، یافته اند.

سخنرانی "علی خامنه ای"، رهبر جمهوری اسلامی، برای نمایندگان مجلس اسلامی، که در آستانه ماه محرم به دیدار فرارخوانده شدند، شاید برای کسانی، که از حق مناسبات بهم گره خورده نخبان حکومت طی ۱۵ سال گذشته بی اطلاع اند، شگفت انگیز جلوه کند، اما برای آنان، که می دانند کدام رشته های پنهان و آشکار سرنوشت این انگشت شماران حکومت و نقش آفرینان رژیم، را بهم پیوند زده است، چندان شگفت انگیز نبود.

"علی خامنه ای" در این دیدار، "علی اکبر هاشمی رفسنجانی"، رئیس جمهور رژیم را شایسته ستایش انگیزترین صفات اعلام داشت و او را، که اکنون مجری بی چون و چرای برنامه های صندوق بین المللی پول در ایران است، متفکر، سیاستمدار، مدیر و مدبرترین شخصیت سیاسی رژیم معرفی کرد.

این سخنان تأیید آمیز پس از مذاکرات و گفتگوهای ایراد شد، که "هاشمی رفسنجانی" با "نیازاف"، رئیس جمهور ترکمنستان، در تهران داشت. در کلیه جمهوری های ماوراء قفقاز اتحاد شوروی سابق، از "ترکمنستان" به طعنه بنظر پنجاه و دومین ایالت امریکایاد می شود، چرا که هگان می دانند، رئیس جمهور واقعی ترکمنستان نه "نیازاف"، بلکه "الکساندر هیک"، وزیر خارجه اسبق امریکا در دولت "ریگان" و فرمانده پیشین پیمان ناتو است، که بیشتر اوقات خود را برای رفتن و رفتن امور سیاسی-اقتصادی در این جمهوری می گذراند. او در سالهای پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، تنظیم و اعمال سیاست امریکا در ماوراء قفقاز و ایران را عهده دار است.

مصاحبه مطبوعاتی و رادیو-تلویزیونی "هاشمی رفسنجانی"، پس از دیدار رهبر جمهوری اسلامی با نمایندگان مجلس اسلامی، آشکارا نشان داد، که "رهبر" کدام تدبیر و سیاست و مدیریت رئیس جمهور را شایسته ستایش الهی اعلام داشته است. آن مصاحبه مفصل با خبرنگاران ایرانی و خارجی ترتیب داده شد، تا "هاشمی رفسنجانی" با صراحت و آشکارا (به خواست امریکا) اعلام دارد:

۱- جمهوری اسلامی، طی ۱۵ سال گذشته، نزدیکترین مناسبات اقتصادی را با امریکا داشته است و این مناسبات هرگز و در هیچ مقطعی (حتی اشغال سفارت امریکا) مختل نشده است!

۲- سران رژیم تهران برای برقراری مناسبات کامل سیاسی با امریکا، فقط خرومان اطمینان و اعتماد از سوی طرف مقابل هستند؛ اهدان

مفهم، که جانشین برای آنها تدارک نینند و ادامه اداره امور ایران را، پس از اعلام مناسبات ملتی و رسی با امریکا نیز بعهده خود آنها بگذارند!

۲- با مذاکراتی، که بین اسرائیل و کشورهای عرب خاورمیانه و خلیج فارس جریان دارد، کاری نخواهند داشت و در آن کارشکنی (حتی تبلیغاتی) نخواهند کرد!

۳- سیاست اقتصادی سالهای گذشته، که همان سیاست جهانی و عمومی صندوق بین المللی پول، در کلیه کشورهای جهان سوم و روسیه است، ادامه خواهد یافت.

"هاشمی رفسنجانی" در این مصاحبه و در پاسخ به سؤال خبرنگاران خارجی، که درباره آزادی احزاب در ایران پرسیده بودند، با آزادی احزاب مخالفت کرد؛ و در واقع تنها شرط سران رژیم را در اعلام و اجرای مناسبات آشکار با امریکا، همانا ادامه اختناق داخلی اعلام داشت.

پس از آن سخنرانی و مصاحبه (رهبر و رئیس جمهور) مطبوعات دولتی رژیم صحنه آرائی را برای ادامه اجرای "طرح" شروع کردند. مجله "جهان اسلام"، که زیر نظر حجت الاسلام "هادی خامنه ای"، برادر "علی خامنه ای"، منتشر می شود، با صراحت و در تفسیر "خوادثی"، که زوی می دهد، نوشت: "... تجربه سال های گذشته نشان می دهد، که نمی توان خود را فقط در چارچوب مناسبات اقتصادی اسیر کرد. این اندیشه، که در سال های گذشته راهنمای عمل بود، در عمل با شکست روبرو شد. باید مناسبات اقتصادی با مناسبات سیاسی همراه باشد. مناسبات اقتصادی با امریکا، که آقای رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی خود طرح کرد، باید این واقیبت را در نظر داشته باشد"

روزنامه اطلاعات چاپ تهران، همانک با نشریه "جهان اسلام" و در واقع در ادامه "طرح" مناسبات آشکار با امریکا، این مقاله را در صدر مقالات خود منتشر کرد.

* فرمان عقب نشینی "خامنه ای" خطاب به حجاج ایرانی، که خود را برای مراسم برانت از مشرکین در مکه آماده کرده بودند!

* سفر وزیر خارجه رژیم به قاهره و اعلام صریح لزوم برقراری مناسبات کامل با مصر، که در واقع پدرخوانده شیخ نشین های خلیج فارس و شغل مذاکرات صلح اسرائیل و اعراب محسوب می شود!

* سفر برق آسای "علی محمد بشارتی"، وزیر کشور جنجال برانگیز رژیم، به ترکیه!

* سفر فوری وزیر خارجه رژیم به آلمان، پس از بازگشت از مصر و مطلع ساختن رهبر و رئیس جمهور از مذاکرات پنهانش در مصر
همگی نشانه های آشکار طرح همسویی ملتی رژیم ایران با سیاست های امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس است.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران، نه بیسناک از سرنوشتی، که برای آینده ایران رقم زده و می زند، بلکه بیسناک از بحران حقیق سیاسی-اقتصادی در داخل کشور، محدود شدن روزافزون پایگاه داخلی، بر ملا شدن چهره سازشکار و سازش پذیرش با تمام رژیم هائی، که به ظاهر علیه آنها شمار می دهد، و ... برخوردار امریکا، مبتنی بر آشکار ساختن مناسباتش با دولت این کشور، کردن گذاشته است، بدان امید، که در نهایت این مناسبات به حمایت آشکار امریکا از روحانیون حاکم برسرنوشت ایران ختم شود!

حمله تبلیغاتی علیه ملیون و میهن دوستان ایران، که به فرمان "رهبر" جمهوری اسلامی در ملاقات با ارباب جراید دولتی تشدید شده، از دیگر فصول این طرح است. بدنبال این فرمان است، که روزنامه "جمهوری اسلامی"، که صاحب امتیاز آن "علی خامنه ای" است، در خرداد ۷۲ به یاد سوابق سیاسی ملیونی افتاده است، که گویا در نوجوانی، با "مظفر بقائی" نوعی هم فکری داشته اند و به زعم نویسنده "جمهوری اسلامی" در ۱۷-۱۶ سالگی توانسته اند سیرحرادث در آلمان هیتلری و وقوع جنگ دوم جهانی را حدس بزنند!

جالب است، که این پرونده ها را همکاران واقعی و سالند "مظفر بقائی" در حزب منحل "جمهوری اسلامی"، تشکیل می دهند! همانها، که به همت دکتر "آیت"، رابط و همکار مستقیم "مظفر بقائی" در حزب "جمهوری اسلامی"، گروه های "امدام باید کرد" را ابتدا در تهران و سپس سراسر ایران سازمان دادند، تا با شعار "حزب فقط حزب الله - رهبر فقط روح الله"، با چوب و میخ و قه و چاقو به جان کسانی بیافتند، که نگران از صدای نملین دیکتاتوری، به مردمی، که همه اعتماد خود را نثار روحانیت کرده بودند، هشدار باش می دادند. این چوب و میخ و درفش و قه همدها جای خود راه مسلسل و تفنگ در خیابان ها و حبس و شکنجه در زندان ها داد و کشت های نازل، حزب الله، منکرات، خواهران زینب، کیتنه، سپاه و ... از دل آن ها بیرون آمدند، تا با ایران

آن کنند، که شامدیم: ۶۰۰ هزار مملول، صدها هزار کشته جنگ که رقم آنرا تا یک میلیون تخمین می‌زنند، دهها هزار اعدام شده، ۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی، فساد، فحشاء و تباهی اخلاقی و فرهنگی، ۵ میلیون متاد به مواد مخدر، غارت کشور توسط ۱۰٪ افراد جامعه، که مدتها خانواده‌های وابسته به روحانیون صاحب قدرت و بازاریان وابسته به حکومت‌اند، ۴ میلیون بیکار از صفوف نیروی کار کشور، شیوع فلج‌کننده رشوه و اخاذی در کلیه ادارات و موسسات، درازکردن دست‌گدائی در برابر ضعیف‌ترین و کوچکترین کشورهای خلیج فارس و مجز و لایه در برابر کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غرب، نظیر آلمان و فرانسه، برای به عقب انداختن بدهی‌های، که با بهره سنگین باید پرداخت شود و ... سرانجام، پاشیدن تخم نفاق و کینه در سراسر ایران، که انفجار آن می‌تواند به قیمت تسامیت ارضی ایران تمام شود.

بنظر ما، طرح "مناسبات آشکار با آمریکا" نیز، علیرغم امیدی، که طراحان و مجریان اصلی، بدان بسته‌اند، چاره مشکلات دم‌انزوم حکومت نخواهد بود و تنها برگ دیگری بر دفتر نادانی سیاسی و انحصارطلبی کور روحانیون حکومتی خواهد افزود.

نخست بدان دلیل، که هر ترکند رژیم پسرمت در میان مردم افشاء شده و به ضد خود تبدیل می‌شود.

دوم، بدان جهت، که نیروهای واقعا میهن‌دوست و ملی ایران را در داخل کشور، بنظیر چلوگیری از سقوط ایران در ورطه‌ای، که رژیم آنرا بدان سر هدایت می‌کند، متحرکزتر و متحدتر خواهد کرد و برپاره‌ای تزلزل‌های نیروهای صادق پیرامونی رژیم برای بیوستن به دیگر نیروهای خواهان نجات میهن از گرداب کنونی، خافه خواهد داد.

سوم، رژیم علیرغم امکان بکارگیری آخرین امکاناتش برای سرکوب میهن‌دوستان، سیاسیون ملی، نیروهای پیرامون حکومت و مردم به جان آمده، که -که خطری غیرقابل انکار است و ما نسبت به آن هشدار می‌دهیم-، دیگر دارای توان و پایگاه سال‌های ۶۷-۶۲ برای سرکوب نیست. بارزترین نشانه این عدم توانایی، هانا فرمان رهبر برای حمله تبلیغاتی به سیاسیون ملی و همسویی مطبوعات دولتی با این فرمان است، چرا که شیوه حکومت تاکنون قتل، ربودن، شکنجه‌کردن، اعتراف گرفتن و ... بوده است. سران رژیم با اعلام خبر پخش اعترافات زیر شکنجه "سعیدی سیرجانی"، (نویسنده ایرانی) در آینده نزدیک، (؟) می‌خواهند بگویند، که هنوز دارای کدام اهرم‌های قدرت حکومتی‌اند، اما واقعیت آنست، که دندان‌های دهانی، که برای این ادعا باز شده، پوسیده‌تر از آنست، که برای

دریدن و مکیدن خون آزادی‌خواهان توان گذشته را داشته باشد!

ما اعتقاد داریم، که مناسبات سیاسی با هیچ کشوری -از جمله آمریکا- خیانت نیست، همچنان که قطع این مناسبات، خدمت نیست. خیانت در زد و بند پنهان است. کارنامه رژیم ایران، که از زبان "هاشمی رفسنجانی" در مصاحبه اخیرش در خصوص مناسبات ۱۵ ساله زیر میزی با آمریکا اعلام شد، خود بهترین گواه این حقیقت است. ما اعتقاد داریم، که هر نوع مناسبات باید قانونی -آشکار و در خدمت منافع ملت ایران باشد. این خود یکی از خواست‌های انقلاب بهمن ۵۷ بود. طبعا مناسبات سیاسی با آمریکا نیز در این چارچوب قابل درک است. همین است، که هر نیرو، تشکل و حزب سیاسی میهن‌دوست حق دارد نسبت به مناسبات پنهان و زده‌بند پشت پرده توسط رژیم، که ۱۵ سال است همه نوع مناسبات و جنایات را پنهان از مردم سازمان داده و می‌دهد، با هر دولت و کشوری -از جمله آمریکا- نگران باشد. از سوی دیگر، بنظر ما علیرغم تبلیغاتی، که سران رژیم می‌کنند، دولت آمریکا همچنان نیازمند ماجرا آفرینی‌ها و نادانی‌های رژیم حاکم بر ایران است و بهمین جهت، هیچ دلیلی برای مخالفت جدی و عملی آمریکا با آن، تا زمانی که امریکایی‌تواند بدست همین رژیم به اهداف خود در منطقه و ایران دست یابد، وجود ندارند. این رژیم هنوز می‌تواند زمینه‌ساز اجرایی طرح‌های آمریکا در منطقه باشد؛ اتفاقا رسیت یافتن مناسبات پنهانی می‌تواند دست آمریکا را در تقویت ماجرا آفرینی‌های داخلی و منطقه‌ای رژیم باز بگذارد. رژیم دیکتاتوری با ادامه خودمحو بینی قصد دارد بدر از آگاهی عمومی مردم و در جریان یک زده‌بند سیاسی دیگر با آمریکا نظیر آنچه در جریان جنگ با عراق روی داد و به "ایران گیت" شهرت یافت به حیاتش ادامه دهد. این همان واقعیت تلخی است، که جنگ دوم خلیج فارس براساس آن استوار شد و نتیجه آن تجزیه عملی عراق و ویرانی و خسارات جبران‌ناپذیری است، که دیکتاتور آن "صدام حسین" برای عراق به ارمغان آورد. لسنیر آمریکا در بغداد و در کنار گوش "صدام حسین" زرمه‌های موافقت آمریکا با اشغال کویت راه، تا لحظه آغاز جنگ، ادامه داد و سپس خود به کشورش بازگشت!

رقابت فشرده آمریکا با ژاپن و اروپای سرمایه‌داری -به‌ویژه آلمان و

فرانسه، که در آینده تشدید نیز خواهد شد، نیازمند حکومت‌های ماجرا آفرینی نظیر رژیم ایران در منطقه است. امریکا نفت خلیج فارس را در اختیار مطلق خود می‌خواهد، تا از موضع قدرت با ژاپن و آلمان و فرانسه برسر تقسیم جهان و آقائی بر آن معامله کند. این کره اساسی در مورد آینده ایران است. آینده‌ای، که می‌تواند خوزستان را از ایران جدا کند. زرمه‌ای، که حتی به گوش نه چندان شنوای حکومتیان ایران نیز رسیده است؛ اما آنها نه می‌توانند و نه حاضرند حقیقت را بپذیرند و میدان را برای نیروهای صادق، کاردان و میهن‌دوست، و بنظیر چلوگیری از این سیاست و ایجاد وحدت ملی برای دفاع از تسامیت ارضی میهن، خالی کنند.

برپایه این درک است، که اعتقاد داریم وسیع‌ترین کارزار برای انشای توطئه‌های رژیم و نشان دادن هرچه بیشتر چهره واقعی حکومت به مردم ایران را باید سازمان داد. افشای وسیع توطئه‌ها و اخبار پشت پرده رژیم در داخل کشور و برای گسترده‌ترین اقشار اجتماعی، به هر وسیله ممکن، مهمترین وظیفه ملی و میهنی است؛ مردم باید بدانند، رژیم می‌خواهد ایران و مردم آنرا به کجا ببرد، تا بتوانند در مقابل آن بایستند.

نمایشنامه از پیش تعیین‌شده "مناسبات آشکار با آمریکا" و "چلبه حمایت آمریکا برای ادامه حکومت"، از جمله این توطئه‌هاست؛ برای این هدف و همچنین خنثی‌سازی توطئه‌های رژیم بنظیر یورش به نمان و شخمیت‌های شناخته شده سیاسی، که در داخل ایران و در مخالفت با رژیم فعالیت می‌کنند، ما اعتقاد داریم، در مین تشدید فعالیت‌های ملنی، که این فعالان خودبدرستی آنرا لازم و بوقوع تشویق داده و برآن تاکید می‌کنند، لحظات تاریخی تشدید و تعمیق ارتباطات و یک هیئتی و همفکری ملنی توسط تمام مخالفان رژیم -حتی مخالفان پیرامونی حکومت- باین برنامه مشخص سیاسی-اجتماعی در داخل کشور و بنظیر مقابله قطعی با سیاست‌های رژیم و بسیج مردم در حمایت از این برنامه فرارسیده است.

ما در همین حال، که اعلام چنین برنامه و هیئتی را در داخل کشور، کوششی لازم و بوقوع برای بسیج آگاهانه مردم برای مقابله با رژیم، ارزیابی می‌کنیم، اعتقاد داریم، این کام سیاسی خود به خود خنثی کننده توطئه‌هایی نیز خواهد بود، که وابستگان مستقیم دربار "محمدرضاپهلوی" برای بازگشت به قدرت و برقراری دیکتاتوری "ظل‌الله" شاه، به جای "ولایت امر" فقیه، در تدارک آن تلاش می‌کنند.

فوق العاده شماره (۳) "راه توده" خوداد ۱۳۷۳

توکمنستان چگونه واسطه‌ایست؟

مطه اسپیکل می‌نویسد: ترکمنستان ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز تولید می‌کند، که فقط ۱۵ درصد آنرا در داخل به مصرف می‌رساند. ترکمنستان ۱۵ میلیون مترمکعب ذخائر گاز دارد و از این نظر پنجمین کشور جهان است. این کشور همچنین ۶٫۶ میلیارد تن ذخائر نفت دارد. شرکت‌های نفتی جهان در ۹۰ نقطه ترکمنستان می‌توانند نفت استخراج کنند. "الکساندر هیگ"، وزیر خارجه سابق آمریکا سلطان واقعی این ثروت است و هر قراردادی با اجازه او بسته می‌شود. "هیگ" رسا مسئول وهانگ کننده طرح‌های نوسازی ترکمنستان عنوان می‌شود و بنیاد "هیگ" در "عشق‌آباد" پایتخت ترکمنستان عظیم‌ترین تشکیلات اداری در این جمهوری کوچک است.

ضیافت پرمعنی در "رم"

"بیل کلینتون"، رئیس جمهور آمریکا، در جریان یک سفر کوتاه اروپایی بار دیگر بر نقش رهبری آمریکا برجهان تاکید کرد و گفت، که "امریکاچراغ راهنمای آزادی است!" او در این سفر، در ایتالیا، حمایت خود را از دولت دست راستی "برلوسکونی" اعلام داشت و گفت، که معتقد است این دولت به دمکراسی پایبند است. در دولت جدید ایتالیا، برای نخستین بار پس از جنگ دوم، تفواشیست‌های ایتالیایی شرکت دارند.

"کلینتون" در این سفر، در ضیافتی شرکت کرد، که به افتخار او در رم برپا شده بود. در این ضیافت "ژمان فرانکو لینی"، رئیس حزب تفواشیست‌ایتالیا، در کنار "آتیه اوشتا"، رهبر "حزب دمکرات سوسیال" ایتالیا، که پس از شکست در انتخابات اخیر پارلمان از دبیر کلی حزب استعفا داد، شرکت داشت. "اوشتا" پیشتر عضو رهبری حزب کمونیست ایتالیا بود و نقش عمده‌ای در از هم پاشیده شدن این حزب ایفاء کرد و عملا راه را برای گسترش فعالیت فاشیست‌ها باز کرد.